



نابغه‌ای با عادت‌های عجیب

همان طور که نظریه‌های علمی اینشتین جنجالی شدند، تحلیل شخصیت او هم خالی از نکات تازه و عجیب نیست. تحلیل شخصیت این دانشمند نشان می‌دهد، موضوع پیچیده‌تر از این حرف‌هاست.

همان طور که نظریه‌های علمی اینشتین جنجالی شدند، تحلیل شخصیت او هم خالی از نکات تازه و عجیب نیست. تحلیل شخصیت این دانشمند نشان می‌دهد، موضوع پیچیده‌تر از این حرف‌هاست.

به گزارش ایسنا، روزنامه همشهری نوشت: «آلبرت اینشتین، نابغه‌ای که بعد از گذشت همه این سال‌ها، هنوز هم به عنوان نمادی از علم نوین شناخته می‌شود، عادت‌های رفتاری و اخلاقی عجیب و غریبی داشت که باعث شد روانشناسان در تحلیل تیپ شخصیتی او با سؤال‌های تازه‌ای متوجه شوند؛ سؤال‌هایی مثل این که این عادت‌های رفتاری مخصوص نابغه‌هاست یا همین عادت‌ها یک فرد عادی را به اینشتین شدن می‌رساند؟ تحلیل شخصیت این دانشمند نشان می‌دهد، موضوع پیچیده‌تر از این حرف‌هاست. همان طور که نظریه‌های علمی اینشتین جنجالی شدند، تحلیل شخصیت او هم خالی از نکات تازه و عجیب نیست.

تلاش برای صلح

اگرچه اینشتین را به عنوان فیزیکدانی بزرگ می‌شناسیم اما دیدگاه‌های سیاسی او کمتر از دستاوردهای علمی‌اش مورد توجه نبوده است. این جهت‌گیری‌های سیاسی همانند دستاوردهای علمی‌اش، پیچیده‌تر از آن بوده است که خیلی‌ها تصور می‌کنند. نابغه‌ما یک صلح‌طلب مادام‌العمر بود و فقط یک بار به نفع جنگ فعالیت‌ای انجام داد. در سال ۱۹۳۹ فیزیکدان مجارستانی، لئو زیلارد، نامه‌ای به روزولت نوشت و از او خواست به واکنش زنجیره‌ای و انرژی هسته‌ای اهمیت بیشتری دهد. زیلارد دانشمند گمنامی بود اما هنگامی که اینشتین زیر نامه را امضا کرد، مسئله شکل دیگری به خود گرفت. همین موضوع بعدها باعث برپایی پروژه منهتن شد اگرچه اینشتین در این پروژه شرکت نکرد و امضای آن نامه را یکی از اشتباهات زندگی خود دانست. او با به فروش گذاشتن نسخه خطی تحقیقات خود و کمک به گروه‌های صلح‌گرا و مخالف جنگ، سعی کرد این اشتباه را جبران کند.

قدم زدن تا نابغگی

در زندگی روزمره، اینشتین عاداتی داشت که در شکل‌گیری موفقیت او تأثیرگذار بودند. مثلاً پیاده‌روی روزانه برای او کاری واجب و همیشگی بود. زمانی که در دانشگاه پرینستون کار می‌کرد، هر روز تا آنجا پیاده می‌رفت و باز می‌گشت. او در این زمینه از رفتار داروین الگوبرداری کرده بود که روزانه ۴۵ دقیقه قدم می‌زد. این کار را تنها برای تناسب اندام انجام نمی‌داد. شواهد زیادی وجود دارد که اثبات می‌کنند قدم زدن قدرت حافظه، خلاقیت و توانایی حل مشکل را تقویت می‌کند. قدم زدن ذهن را از امور فکری منحرف می‌کند تا بر گذاشتن یک پا جلوی دیگری و زمین نخوردن تمرکز کند. این کارکرد پیچیده به زبان ساده یعنی «کاهش فعالیت در بخش‌های خاصی از مغز».

بی‌علاقه به حرف زدن

جالب است بدانید نابغه معروف تا ۳ سالگی حرف زدن را شروع نکرد و بعد از آن هم تا سن بیشتر از هفت سالگی به ندرت صحبت می‌کرد. این موضوع در کنار ذهن متمرکز او در حل مسائل فیزیک، ذائقه موسیقایی و بی‌توجهی به بعضی درس‌های مدرسه و در مقابل توجه به مطالب مورد علاقه، باعث شده عده‌ای بر این باور باشند که او از سندروم اسپرگر رنج می‌برد. دانشمندان بزرگ دیگری مانند اسحاق نیوتون و ماری کوری هم احتمالاً با این مشکل مواجه بوده‌اند. این که چگونه مغز این افراد در بعضی استعدادها سریع‌تر فعال می‌شود و در برخی دیگر آهسته‌تر، همچنان نامعلوم باقی مانده است. شواهد نشان می‌دهد این نابغه تا آخر عمر یک متفکر بصری بود و کمتر وقت خود را با حرف زدن هدر می‌داد.

اعتقاد به سوسیالیسم

پدر اینشتین در سال ۱۹۰۲ فوت کرد و مسئولیت مراقبت از خانواده به گردن آلبرت افتاد. او به دلیل بیکاری در این دوران با

دشواری زیادی مواجه شد. او حتی با وجود مدرک تدریس فیزیک هم نتوانست در محافل دانشگاهی کاری برای خود پیدا کند و از خیر تلاش های اولیه برای ادامه تحصیل در مقطع دکتری گذشت. مدرک دکتری می توانست به او در پیدا کردن شغل مناسب کمک کند اما آلبرت در عوض در سال ۱۹۰۳ به عنوان کارمند اداره ثبت مالکیت معنوی اختراعات در برن آلمان مشغول به کار شد. به علاوه، خانواده او به عمویش بدهی قابل توجهی داشت. مشکلات مالی که بخش بزرگی از آن به ورشکستگی کسب و کار خانوادگی شان برمی گشت، در نهایت باعث شد آلبرت ایده آل های سوسیالیسم را بر کاپیتالیسم ترجیح دهد. او در سال های آخر عمر خود، دولتی واحد برای کل دنیا پیش بینی کرد.

تیپ شخصیتی مهندس ها

تعداد افرادی با تیپ شخصیتی اینشتین بسیار کم است، چیزی در حدود ۳ درصد جمعیت، دارای تیپ شخصیتی INTP معروف به تیپ مهندس هستند. این دسته افراد، عموماً تحلیل گران خوبی هستند و روی تئوری ها تعصب ندارند. به همین دلیل هم اغلب آماده پذیرش نظریه های جدیدی هستند که به نظرشان منطقی است و حتی خودشان چنین نظریه هایی خلق می کنند. بیشتر افراد این تیپ، تفکرات لیبرال دارند و قائل به آزادی برای همه و عدم دخالت در زندگی بقیه هستند. علاقه آنها به کارهای اجرایی و فعالیت های روتین روزانه کم است و ترجیح می دهند در محیطی که آزادی عمل آنها را تضمین کند و خلاقیت شان را به چالش بکشد، فعالیت کنند. آنها معمولاً به دانش و منطق شان مغرور می شوند و علاقه دارند درباره ایدئولوژی هایشان گفت و گو کنند.

نابغه ها هم اشتباه می کنند

سال ۱۹۰۵ اینشتین ۴ مقاله منتشر کرد که پایه های علم فیزیک را لرزاند. دیدگاه انسان به فضا، زمان، ماده و انرژی را متحول کرد و فیزیک نوین را پایه گذاشت. در همین زمان او در حال به پایان رساندن دکتری بود و به عنوان ممتحن در دفتر ثبت اختراع سوئیس کار می کرد. بعد برای تدریس در بسیاری از آکادمی های آموزشی پذیرفته شد اما همه او را رد کردند چون در بخشی از رزومه اش با ساده لوحی تمام از توصیه نامه هاینریش وبر که کلاس های زیادی را خراب کرده بود، استفاده می کرد. همین مثال نشان می دهد هوش بالا برابر با خردمندی نخواهد بود و انسان های باهوش نیز اشتباهاتی مرتکب می شوند. هر چند این پذیرفته نشدن باعث شد زمان بیشتری در اختیارش قرار بگیرد و ۴مقاله خود را جمع بندی و در یک مقاله منتشر کند که سرانجام به دریافت جایزه نوبل منتهی شد.